نظر

آیا چیزی به نام ادبیات انقلاب داریم؟

نشست «آیا ادبیات انقلاب داریم؟» به مناسبت چهلمین سالگرد انقلاب اسلامی، با حضور محمد حنیف و محمدرضا سنگری، از نویسندگان و پژوهشگران حوزه انقلاب اسلامی در سرای اهل قلم موسسه خانه کتاب برگزار شد. به گزارش «وطن‌امروز»، در ابتدای این مراسم، محمدرضا سنگری گفت: اگر همه نمادها و نمودها دال بر این باشد که یک تحول بنیادین در ایران اتفاق افتاده است و اگر ما به حداقل این تحول بنیادین (قیام) اکتفا کنیم، بی‌هیچ تردید نخستین عنصری که به میدان می‌آید، ادبیات است. سنگری با بیان اینکه هر مفصل تاریخی ناگزیر کرانه‌مند است، گفت: در شعر شاعران شاخص ما متأسفانه یأس و مرگ، واژه‌های غالب روزگاران پیش از انقلاب است. اما وقتی به زمان انقلاب می‌رسیم بوی روشنی به مشام می‌رسد. مجموعه آثاری که در این دوره (انقلاب) به چشم می‌خورد سرشار از امید و شور است. من، با عنوان ادبیات معاصر بشدت مخالفم؛ همچنان که باید گفته شود ادبیات عصر پهلوی، پس می‌توانیم بگوییم ادبیات عصر انقلاب. ۲ نوع ادبیات وجود دارد؛ ادبیات انقلاب اسلامی و ادبیات عصر انقلاب اسلامی. ادبیات انقلاب اسلامی ادبیاتی است که به گفتمان انقلاب اسلامی وفادار است. ادبیات اصل، ادبیات عصر هم هست اما همه آنچه از ادبیات در عصر انقلاب اسلامی ارائه می‌شود، ممکن است ادبیات اصل انقلاب اسلامی نباشد. اگر به این نتیجه رسیدیم که ادبیات انقلاب اسلامی وجود دارد، ۲ مسأله بروز می‌کند؛ نخست اینکه آن را چه بنامیم و دوم اینکه ماهیت آن را تبیین کنیم. برای ادبیات انقلاب اسلامی نام‌های مختلفی ارائه شده است که انقلاب ادبی، جریان ادبی، گونه ادبی و مکتب ادبی انقلاب از جمله آنهاست. سخنرانی محمد حنیف بخش دیگر این نشست را به خود اختصاص داد. حنیف با بیان اینکه قطعاً تحت تأثیر انقلاب، داستان‌های زیادی نوشته شده است، اظهار کرد: آثار فراوانی با موضوع انقلاب وجود دارد اما هنوز مکتب ادبی انقلاب اسلامی شکل نگرفته است، چرا که برای تشکیل این مکتب باید چند گروه آن را تئوریزه کنند؛ نخست، افرادی که تاریخ انقلاب را می‌شناسند، گروه دیگر، افرادی که هم ادبیات و هم فلسفه می‌دانند و گروهی که تئوریسین‌های انقلاب بودند و در نهایت داستان‌نویسانی که با عناصر داستانی آشنایی دارند.

کتاب

روایتی تازه از زندگی شهید قرنی در بازار کتاب

زندگینامه سپهبد ولی‌الله قرنی با عنوان «مرزبان» از سوی موسسه فرهنگی- هنری مرکز اسناد انقلاب اسلامی روانه بازار نشر شد. به گزارش فارس، این کتاب در قالب «دانستنی‌های انقلاب اسلامی برای جوانان»، می‌کوشد با زبانی ساده و به دور از تکلف، زندگینامه نخستین رئیس ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران را روایت کند. کتاب «مرزبان» زندگی شهید قرنی را در ۳ دوره مورد بررسی قرار داده است. دوره اول با عنوان «آمال و آرزوها» به بررسی دوران کودکی، نوجوانی و جوانی ولی‌الله قرنی اختصاص دارد. دوره دوم به بررسی زندگی و فعالیت‌های قرنی بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ می‌پردازد. دوره سوم با عنوان «۴۳ روز پرتنش» روزهای منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی و پس از آن را روایت می‌کند و به بررسی فعالیت‌های قرنی از ۲۳ بهمن ۱۳۵۷ تا ۷ فروردین‌ماه ۱۳۵۸ اختصاص دارد.

خبر

آخرین خبرها از وضعیت فخیم‌زاده در بیمارستان

خسرو امیرصادقی، دوست و همکار مهدی فخیم‌زاده درباره آخرین وضعیت این هنرمند که مدتی است به دلیل تصادف در بیمارستان بستری است، توضیح داد. به‌گزارش مهر امیرصادقی در ارتباط با وضعیت جسمی فخیم‌زاده گفت: خوشبختانه حال عمومی مهدی فخیم‌زاده رو به بهبود است، البته با توجه به ضربه‌ای که بر اثر تصادف به وی وارد شده بخشی از بدنش ملتهب است ولی با تجویز پزشک هر روز چند قدم راه می‌رود. فخیم‌زاده از نظر هوشیاری هیچ مشکلی ندارد اما با توجه به اینکه پزشکان به دنبال این هستند مراقبت بیشتری از این هنرمند داشته باشند، اجازه خروج از آی‌سی‌یو را نداده‌اند.

درباره مجموعه مستندهای تلویزیونی «روایت مردم» که تلاش دارد جای خالی کم‌کاری سیاستمداران را پر کند

روایت مردم در جنگ روایت‌ها

محسن شهمیرزادی: یک دوستی خاطره‌ای از چند سال پیش روایت می‌کرد و می‌گفت ما سال‌های ابتدایی دانشگاه تب و تاب زیادی برای کار فرهنگی داشتیم اما به هر دری می‌زدیم فکر می‌کردیم کار درست چیز دیگری است و از این شاخه به آن شاخه می‌پریدیم و مثل خیلی از دغدغه‌مندهای فرهنگ دچار سردرگمی شده بودیم. چند وقتی می‌شد که حاج‌حسین یکتا به دانشگاه می‌آمد و روایتگری شهدا می‌کرد. یک شب دورش جمع شدیم و سفره دل‌مان را برایش باز کردیم. گفت: «می‌خواهید برای شما یک کار فرهنگی کاملا اثرگذار برنامه‌ریزی کنم؟» ما که از خدای‌مان بود اما برای‌مان شرط گذاشت: «امشب نه! هفته بعد پنجشنبه بیایید مسجد جمکران، آنجا طرح را برای شما خواهم گفت». ما به گمان اینکه فرمانده سابق قرارگاه خاتم‌الاوصیا بناست مدیریت یک سازمان فرهنگی را به ما محول کند و ردیف بودجه‌ای برای‌مان در نظر بگیرد، هفته را به پایان رساندیم. نیمه شب در حیاط مسجد جمع شدیم و منتظر ماندیم تا ایده‌اش را برای‌مان باز کند. خوش و بش‌ها تمام نشده بود که بی‌مقدمه گفت: «بچه‌ها راستش را بخواهید مساله فقط یک چیز است؛ مردم دل‌شان با ما صاف نیست. ما را در زندگی روزمره خودشان نمی‌بینند. اگر می‌خواهید کار فرهنگی کنید، بروید برای آن پیرزن خریدهای خانه‌اش را انجام دهید، بار سنگین از روی دوش مردم بردارید، بروید گره از کارشان باز کنید، کفش‌های‌شان را واکس بزنید؛ کار فرهنگی این است، اگر می‌توانید و می‌خواهید بسم‌الله. دنبال بهانه و موقعیت بودن، کار فرهنگی نیست».

این نگاه حاج‌حسین یکتا نسبت به کار فرهنگی بخوبی در رفتارهای چند سال اخیر او بروز یافته است. تاسیس موکب‌های مردمی در اربعین و تلاش برای خدمت به زائران او را ماه‌ها در کشور عراق مقیم کرد. زلزله کرمانشاه در روزهای پایانی اربعین باعث شد حسین یکتا تمام موکب‌های همراه را از سامرا به کرمانشاه و سرپل ذهاب منتقل کند و تا آبادانی نسبی این شهر در آنجا بماند. اعتراضات اقتصادی و مشکلات بازاریان او را بار دیگر در میان مردم برجسته کرد و مشکلات آب خرمشهر، حاج‌حسین یکتا را این روزها به جنوب کشور فراخوانده است. در این میان اگرچه نگاه حاج‌حسین یکتا به کار فرهنگی مساوی با خدمت به عامه مردم است اما فهم درست وی از رسانه موجب شده است این فعالیت‌ها اثرگذاری چندبرابری با خود به همراه داشته باشد. شبکه ۳ سیما در ایام پس از زلزله، هر شب برنامه‌ای زنده از سرپل ذهاب را روی آنتن می‌برد؛ برنامه‌ای با اجرای حاج‌حسین یکتا که میان مردم روی سنگ‌های ویرانه‌های زلزله می‌نشست و روایتی امیدوارانه از مشکلات این مناطق را بازگو می‌کرد. «روایت مردم» اثر دیگری است که این شب‌ها از تلویزیون برای مردم پخش می‌شود. مردم و بازاری‌ها در این مستند به صورت مستقیم گلایه‌ها و مشکلات‌شان را با حاج‌حسین در میان گذاشته و خود را در قاب رسانه ملی مشاهده می‌کنند. حاج‌حسین یکتا اما حالا با گروه مستندسازی به خرمشهر روانه شده تا روایتی از مشکلات آب و هوا و زندگی این مردم داشته باشد و بی‌شک نیز رسانه ملی در چندروز آینده تریبونی برای خرمشهر خواهد شد. فعالیت رسانه‌ای حاج‌حسین یکتا از چند بعد حائز اهمیت است؛ این اتفاق در وهله اول موجب می‌شود رسانه ملی تبدیل به قاب آینه‌ای شود برای بازتاب نگاه مردم؛ صحبت‌هایی که عمدتا در فیلترهای متعدد سیما محو می‌شوند و به شکل کانالیزه و کلیشه‌ای روی آنتن می‌روند اما حضور شخص حاج‌حسین یکتا باعث شده است این روایت صادقانه‌تر، صریح‌تر و مستقیم‌تر از همیشه از تلویزیون پخش شود؛ مشکلاتی که عمده مردم با آن مواجهند اما زبان گویایی برای انتقال آن به رسانه ملی دیده نمی‌شد. دیگر پیامد این کار رساندن صدای مردم به مدیران بالادستی است. بعضا ممکن است کانال روابط عمومی‌ها و حلقه بسته مشاوران، روایت جامعی از مصائب مردم را به گوش مسؤولان نرسانند و رسانه ملی در این میان می‌تواند بهترین محمل برای انتقال چنین موضوعی باشد که این مهم در اتفاقات اخیر توسط حسین یکتا بخوبی تحقق یافته است اما شاید یکی از مهم‌ترین پیامدهای رسانه‌ای شدن فعالیت‌های فرهنگی توسط وی، روایتی است که در نبرد روایت‌های رسانه‌ای به میدان فرستاده شده است. در حالی که هنگام بروز مشکلات اقتصادی و اجتماعی بسیاری از رسانه‌ها، به جای پیشگام شدن در مطالبه مشکلات مردمی، چراغ سوژه‌های خود را به سمت دیگری می‌چرخانند، رسانه‌های معاند تلاش دارند حتی یک نارضایتی کوچک را مصادره به مطلوب کرده و از آن یک بحران بیافرینند و به نام خود ثبت کنند. جامعه ناراضی هم در شرایط بحران به سرعت نگاهش به سمت رسانه‌ای جلب خواهد شد که تصور کند صدای رسای او است. حسین یکتا تلاش دارد با «خودی» نشان دادن مردم از یک سو و ایجاد اعتماد در مردم نسبت به رسانه ملی که آن را رسانه خود بدانند، مشکلات آنها را از این تریبون روایت کند. روایت منصفانه، بسیاری از شایعات و تحلیل‌های نادرست را از میدان به در می‌کند و بازنمایی درست مشکلات جامعه، به رسانه ملی اعتبار و اعتماد می‌بخشد. مشی راوی دفاع‌مقدس با مستند «روایت مردم» این روزها مورد تمجید بسیاری از اهالی فرهنگ قرار گرفته است و اگرچه تا مدیوم رسانه حرفه‌ای فرسنگ‌ها فاصله دارد اما صداقت و انصافش خیلی زود در میان مردم مورد اقبال قرار گرفته و بی‌شک اثر این کار فرهنگی تمیز به چشم خواهد آمد. چنانکه در همین چند روز، حمله ضدانقلاب‌های فضای مجازی به برنامه «روایت مردم» و حسین یکتا نشان می‌دهد این برنامه توانسته اثر اجتماعی داشته باشد و آنها را در این جنگ روایت‌ها به عقب براند.

شعر

نشست خبری هفتمین دوره آموزشی شعر «آفتابگردان‌ها» برگزار شد

حضور همه نسل‌های شعر انقلاب در اردوی آفتابگردان‌ها

نشست خبری هفتمین دوره آموزشی شعر جوان کشور، «آفتابگردان‌ها» صبح دیروز با حضور علی‌محمد مؤدب مدیرعامل مؤسسه فرهنگی- هنری شهرستان ادب، میلاد عرفان‌پور مدیر دفتر شعر شهرستان ادب و افسانه غیاثوند از اساتید این دوره در دفتر این مؤسسه برگزار شد. به گزارش «وطن امروز»، در این برنامه میلاد عرفان‌پور، مدیر دفتر شعر مؤسسه شهرستان ادب و دبیر هفتمین دوره آموزشی آفتابگردان‌ها ضمن ارائه گزارشی از دوره‌های گذشته اظهار داشت: «در دوره‌های آموزشی شعر جوان کشور «آفتابگردان‌ها» تجربه ۶ سال برگزاری را پشت سر گذاشته‌ایم که تمام این سال‌ها سرشار از امید و رویش‌های تازه در حوزه شعر جوان کشور و انقلاب بوده است. ما در تمام این سال‌ها مهم‌ترین هدف‌مان شناسایی و پرورش استعدادهایی بود که می‌خواهند در هنر اول ایرانیان و ایران زمین پیش روند و دست به تولید، خلاقیت و نوآوری بزنند؛ همان استعدادهایی که شاید پیش از این دوره در گوشه‌ای از این سرزمین بدون اینکه راهنما و بهانه‌ای برای پیشرفت و شکوفایی داشته باشند، منزوی شده بودند.» او همچنین با ارائه آماری از آثار رسیده به این دوره در مرحله اولیه گفت: ۵ هزار و ۳۱۰ اثر از ۴۹۰ شاعر جوان کشور به دست ما رسیده است. این تعداد نسبت به سال‌های گذشته بی‌سابقه بود اما نکته قابل توجه اینکه اکثریت قریب به اتفاق شرکت‌کنندگان شاعرانی هستند که به طور جدی وارد عرصه شعر شده‌اند و قابلیت رقابت جدی برای عضویت در دوره هفتم را داشته‌اند. مدیر دفتر شعر مؤسسه شهرستان ادب در بخشی دیگر از سخنانش به حضور ۳ نسل از شاعران کشور از جمله پیشکسوت، کارشناس و اعضا اشاره کرد و گفت: ما از پیشکسوتان و سرشناسان باسابقه که در شعر کشور شناخته شده هستند، بهره خواهیم برد. در مرحله بعد نسل جوان فعال و کارشناس به عنوان مشاوران دوره هفتم حضور خواهند داشت و در پایان نیز خود اعضای جوان و مخاطب در این دوره شرکت می‌کنند. هدف ما این بود که همه نسل‌های شعر انقلاب بتوانند در این دوره‌ها سهیم باشند تا با حضورشان هم انگیزه و امید بیشتری بگیرند و هم آموزش و هم‌افزایی‌هایی که نیاز است در این دوره‌ها داشته باشند، محقق شود. ۱۷ تا ۲۰ تیرماه اردویی با حضور ۶۷ بانوی شاعر از نقاط مختلف ایران زمین برگزار خواهد شد و برنامه‌های متعددی از جمله کلاس‌های تئوریک ادبی، کارگاه‌های نقد شعر و برنامه‌های فرهنگی و تفریحی با حضور ۱۵ تن از کارشناسان و اساتید برجسته شعر کشور برگزار خواهیم کرد.

یادداشت

بررسی مجموعه غزل «کتمان» سروده محمدرضا طهماسبی

شعر قدما؛ علم حکما

سورنا جوکار: هرچه به عقب بازمی‌گردیم و نام شاعران گذشته و اشعارشان را زیر و رو می‌کنیم، در میان آنها که براستی عَلَم شعر را برافراشته‌اند، کمتر کسی را می‌یابیم که به واقع ادعای شاعری داشته باشد یا آنکه شاعری را اشتغال و دغدغه اصلی خود بداند. بسیاری از آنان پیش و بیش از شاعری به کار یادگیری و ترویج علوم عقلی و نقلی مشغول بوده‌اند و به نوعی شعر حیاط خلوت آنان محسوب می‌شده و بیشتر شعر را ابزاری هنرمندانه برای بیان یافته‌های خود در زمینه علم و عرفان یا حتی طریقی برای بیان اعتراضات سیاسی و اجتماعی عصر خویش می‌دانسته‌اند و شاید بتوان گفت شعر برون‌ریز روحی و نوعی استراحت ذهنی برای آنان محسوب می‌شده که البته به دلیل پشتوانه علمی، آنچه را در لباس شعر بیان می‌کرده‌اند، حامل مفاهیم بلند و اندیشه‌های گران در وجود می‌آمده. یکی «خیام» بود که اگر بپذیریم آنچه از رباعیات به او منسوب شده، به واقع سروده خود او باشد، حکیمی گرانسنگ بود که شاید شعر گوشه‌نشین‌ترین هنر او باشد. آن دیگری «مولوی» است که شعر را مشتی آب می‌بیند که با آن غبار کج‌فهمی از مفاهیم شریعت و انسانیت را از چهره و چشم آدمیان می‌شوید و آن دیگری رند گریبان دریده‌ای است که از شعر تیغی تیز می‌سازد تا علیه کاخ استبداد زمانه‌اش بشورد و «حافظ» رنج این سرزمین باشد. با تمام این تفاسیر، آنچه بیان شد مقدمه‌ای است بر این نتیجه که شعر ما تا هنگامی که از سرچشمه علم حکیمان و عالمان این سرزمین جریان داشت دارای جهان‌بینی و اندیشه‌ای جهانی بود و به همین روش توانست نام ایران را به عنوان ملت شعر در جهان سربلند کند اما درست هنگامی که ظاهر شعر هدف علاقه‌مندان این هنر شد و صفت شاعری اصالت یافت، افراد خود شعر را و نه اندیشه‌ورزی در آن را مقصود دانستند و چنین بود که شعر ما روز به روز رو به زوال رفت و حالا قرن‌هاست هیچ نشانی از پیشینه خود به خاطر نمی‌آورد، چرا که شاعران دوران ما فقط شاعر هستند نه اندیشمند، آنچه را هم به عنوان شعر می‌سرایند، حاصل اشراف آنها بر قواعد شعر و یادگیری فنون سرایش است و در واقع ظاهر آن بر محتوا پیشی گرفته است و من با این ذهنیت است که به عنوان مخاطب، هر مجموعه شعر معاصر را که در دست می‌گیرم، نخستین پرسشم از کتاب این است: آیا خشتی به دیوار ادبیات پارسی افزوده‌ای یا تکرار همان مکررات پیشینی؟ که متاسفانه در اغلب موارد همان تکراری‌ها نیز تکرار نمی‌شود. حالا هم مجموعه غزل «کتمان» سروده شاعر گرانقدر «محمدرضا طهماسبی» را در مقابل خود به گفت‌وگو نشانده‌ام و پیش از هر چیز باید بگویم در این مجال در جایگاه قیاس جناب طهماسبی با هیچ شاعر دیگری نیستم و بیشتر - آن هم به قصد معرفی- فقط از اشعار او خواهم گفت. به گمانم پس از مجموعه «واژگان واژگون»، مجموعه غزل «کتمان» دومین کتاب جناب طهماسبی باشد که با همت انتشارات شانی منتشر و روانه بازار نشر شده است. صرف نظر از طرح جلد نه چندان جذاب، در این مجموعه با ۳۶ غزل و یک قصیده مواجهیم که سروده شدن آنها در چند وزن محدود، بیانگر آن است که شاعر بیشتر با هدف در میان گذاشتن آنچه در ذهن دارد، دست به سرایش زده و آنچنان برای ظواهر شعری همچون کاربرد اوزان متنوع، امتیازی قائل نیست. هرچند به‌کارگیری وزن‌های مختلف می‌تواند به غنای شعری کمک کرده و دست شاعر را در سخنوری بازتر کند اما بنا بر آنچه در ابتدا بیان شد، اگر معتقد باشیم در شعر محتوا بر فرم ارجحیت دارد، نمی‌توانیم محدودیت در وزن را یک نکته منفی بدانیم؛ چنانکه حافظ نیز بسیاری از غزلیات خود را در ۲ وزن فعلاتن و فاعلاتن سروده و هیچ کس به این مساله در شعر او چندان توجهی ندارد و همه مسحور محتوای کلام اویند اما حالا باید دید جناب طهماسبی نیز توانسته محتوایی خلق کند که سبب شود مخاطبان با توجه به آن چشم بر ظواهر ببندند یا خیر. آنچه در ابتدای امر در غزل‌های کتمان به چشم می‌آید تردید در زبان شعری است. یعنی شاعر هنوز به این نتیجه نرسیده که می‌خواهد با زبان امروزین با مخاطب ارتباط برقرار کند یا با زبان قرون پیشین. همین نوسانات زبانی و بیانی است که سبب به وجود آمدن فضاهای مختلف و ناهمگون در شعر او شده؛ چنانکه با خواندن شعری گمان می‌بری محمدرضا طهماسبی هر آن دستار بر سر و خرقه بر تن از خانقاه خارج می‌شود اما بلافاصله در شعر بعد شاعر را مردی جوان می‌بینی که با پاکتی تخمه در سینما مشغول تماشای فیلم است که همین نحوه چینش اشعار در کنار یکدیگر بی‌شک برای مخاطب آنچنان خوشایند نخواهد بود و ذهن او را دچار تشویش می‌کند. البته شاید هر یک از اشعار به تنهایی دلنشین باشند اما وقتی به عنوان اعضای یک مجموعه در کنار یکدیگر می‌نشینند، حاصل‌شان چیزی جز پراکندگی زبانی نیست. با این وجود شایان ذکر است بیان حماسی شاعر در بسیاری از اشعار جلوه بسیار درخشانی به آنها بخشیده که به عنوان یکی از نکات مثبت مجموعه کتمان قابل اشاره است و شاعر می‌توانست با پیش‌فرض قرار دادن همین زبان حماسی از فروغلتیدن به دام زبان محاوره‌ای در تعدادی از نوشته‌های خود رهایی یابد، چرا که هر جا شاعر به زبان کوچه و بازار نزدیک شده، چیزی جز هیچ بر شعر خود نیفزوده. اما در گام بعد درباره محتوای کتمان باید گفت طهماسبی نیز پیرو شاعران پیشین و همدوش شاعران هم‌عصر خود است و درون‌مایه ذهنی او را همان عشق و فراق و اعتراض اجتماعی تشکیل می‌دهد که البته در این زمینه نیز نگرش متفاوتی نداشته و تقریبا همان را گفته که دیگران نیز گفته‌اند و می‌گویند، با این تفاوت که او شاعر صناعتگری است که تلاش کرده با این روش خود را از صف دیگر شاعران جدا کند؛ چنانکه اشعار او را می‌توان موزه‌ای از صناعات ادبی معرفی کرد که شاعر به صورت آگاهانه و ناآگاهانه آنها را به استخدام شعر خود درآورده است. برای مثال می‌توان به استفاده بسیار از فن تلمیح در شعرهای کتمان اشاره کرد که خود نشان از مطالعه فراگیر و دامنه‌دار این شاعر در حوزه‌های مختلف دارد. شاعری که به سبب انباشت ذهنی بسیار غنی در هر شعری، اشاره‌ای به داستانی و گریزی به مطلبی دارد و این خود سبب شده در شعرهای محمدرضا طهماسبی با ارجاعات برون‌متنی پرشماری روبه‌رو باشیم که برای مخاطب سوالات بسیاری ایجاد می‌کند و شاید از این رهگذر مخاطب با مساله‌ای تازه آشنا شود و باب مطالعاتی تازه‌ای پیش رویش باز شود اما همین تلمیح و تضمین پرشمار گاهی نیز تبدیل به آفتی شده که استقلال برخی غزل‌ها را دچار خدشه کرده است؛ چنانکه ما از خواندن بعضی شعرها تنها چیزی که نصیبمان می‌شود، یادآوری شعری قدرتمندتر از شاعری دیگر یا یک حادثه تاریخی عقیم است؛ بی‌آنکه کمکی به قوت و پیشبرد شعر طهماسبی کرده باشد و باید گفت شاعر گاهی فراموش می‌کند تلمیح به عنوان یک صنعت ادبی باید در اختیار شعر باشد، نه آنکه شعر در اختیار تلمیح. به عنوان سخن پایانی می‌توان بیان داشت هرچند محمدرضا طهماسبی نیز نتوانسته دریچه‌ای تازه بر غزل معاصر بگشاید یا در آن جریان‌سازی کند اما بحق می‌توان او را فرزند راستین غزل و ادبیات فاخر دانست، چرا که جدا از تمام آنچه شاید به نظر حقیر دست و پای شعر او را بسته، می‌توان با ورق زدن صفحات کتمان به ملاقات شاعری رفت که در کنار صراحت بیان و دایره واژگانی گسترده، در آغوش هر غزلی، داستانی برای تعریف کردن دارد و در هر بیتی، مضمونی برای غافلگیری.

ادبیات

نوبل ادبیات رقیب پیدا کرد

گروهی از چهره‌های برجسته فرهنگی سوئد قصد دارند در غیاب نوبل ادبیات، در حرکتی اعتراضی جایزه‌ای جایگزین آن برپا کنند. به گزارش خبرآنلاین، سال ۲۰۱۸ خبر از جایزه نوبل ادبیات نیست. این دوره از جایزه در پی جنجال‌های رسوایی جنسی همسر یکی از اعضای آکادمی و رویدادهای متعاقب آن لغو شد. حال گروهی از چهره‌های فرهنگی سوئد قصد دارند به جای نوبل ادبیات جایزه‌ای دیگر اعطا کنند و به نوعی به جنجال‌ها و رسوایی اخیر فرهنگستان سوئد (نهاد مسؤول معرفی برنده نوبل ادبیات) اعتراض کنند. در حالی که فرهنگستان سوئدی با بحران دست و پنجه نرم می‌کند، گروهی ۱۰۰ نفره از نویسندگان، بازیگران، روزنامه‌نگاران و دیگر چهره‌های فرهنگی سوئد آکادمی تازه‌ای بنیان نهاده‌اند که پاییز امسال هنگامی که قرار بود جایزه نوبل ادبیات اعطا شود، جایزه خود را اهدا خواهند کرد. در بیانیه آکادمی تازه‌تاسیس آمده است: «ما آکادمی تازه‌ای بنا نهادیم تا به مردم یادآوری کنیم ادبیات و فرهنگ باید دموکراسی، شفافیت، حس همدلی و احترام را بدون در نظر گرفتن امتیازی ویژه برای گروهی خاص اشاعه دهد.» پس از معرفی نامزدهای جایزه آکادمی تازه‌تاسیس از رأی مردم استفاده می‌کند تا ۴ نویسنده منتخب را به هیات داوری معرفی کند. هیات‌داوری برنده را در ماه اکتبر معرفی می‌کند همان ماهی که قرار بود جایزه نوبل ادبیات اهدا شود. کار این آکادمی تازه‌تاسیس روز ۱۱ دسامبر و پس از اهدای جایزه در مراسمی رسمی به پایان می‌رسد و آکادمی منحل خواهد شد.

سینما

کدام فیلمنامه‌ها مجوز ساخت گرفتند

شورای صدور پروانه ساخت با ۴ فیلمنامه در جلسه اخیر موافقت کرد. به گزارش «وطن امروز»، فیلمنامه‌های «خزه» به تهیه‌کنندگی علی سرتیپی، کارگردانی منوچهر هادی و نویسندگی بابک کایدان در ژانر کمدی، «سینما شهر قصه» به تهیه‌کنندگی، کارگردانی و نویسندگی کیوان علی‌محمدی در ژانر اجتماعی، «گاگولگا» به تهیه‌کنندگی حسن علیمردانی، کارگردانی و نویسندگی فرزاد اژدری در ژانر کودک و نوجوان و «لتیان» به تهیه‌کنندگی مجید مطلبی، کارگردانی علی تیموری و نویسندگی اکتای براهنی در ژانر اجتماعی موافقت شورای ساخت سازمان سینمایی را اخذ کردند.

سینمای جهان

مت دیمون بازیگر نقش یک مجرم نفتی شد

مت دیمون در پروژه بعدی‌اش در نقش مارک ریچ برای یونیورسال جلوی دوربین می‌رود. به گزارش مهر به نقل از ورایتی، مت دیمون در نقش یک میلیاردر نفتی به نام مارک ریچ در فیلمی با عنوان «سلطان نفت» برای یونیورسال پیکچرز بازی می‌کند. این فیلم را جان کرازینسکی در کمپانی خودش «ساندی نایت پروداکشنز» تهیه می‌کند. این پروژه که تازه در حال طی کردن مراحل مقدماتی‌اش است بر مبنای کتاب زندگینامه‌ای با عنوان «سلطان نفت: زندگی‌های پنهان مارک ریچ» نوشته دانیل آمان ساخته می‌شود. ریچ سال ۲۰۰۰ توسط بیل کلینتون در آخرین روز کاری وی در کاخ سفید عفو شد. او سال ۱۹۸۳ به شماری از رفتارهای مجرمانه از جمله فرار مالیاتی متهم شده بود. او آن زمان در سوییس بود و به همین دلیل تا زمان مرگش در سال ۲۰۱۳ در ۷۸ سالگی به زندگی خود خارج از آمریکا ادامه داد. دیمون اخیرا با کرازینسکی در فیلم «منچستر کنار دریا» همکاری کرده و از تهیه‌کنندگان آن فیلم هم بود. در همین حال انتظار می‌رود کرازینسکی بازیگر این فیلم نیز باشد. وی قرار است ادامه فیلم «یک جای کاملا بی‌صدا» را برای پارامونت بسازد. دیمون سال پیش با فیلم «کوچک‌سازی» در رقابت‌های سینمایی حضور داشت و جایزه استنلی کوبریک بریتانیا را از بفتای لس‌آنجلس دریافت کرد. وی از سنین جوانی با «ویل هانتینگ خوب» خود را به دنیا معرفی کرد و با بازی در فیلم‌های استودیوهای بزرگ و هم فیلم‌های مستقل تحسین شده، در صنعت فیلمسازی حضور داشته است. گفتنی است، فرهنگستان سوئد پیش از این اعلام کرده بود بنا دارد در سال ۲۰۱۹ دو جایزه نوبل ادبیات اعطا کند.